

خلاصه بحث

کسی که خوف فوت نماز شب را داشته باشد می تواند بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء و نوافل آنها، نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند.

کسی که می خواهد نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند، باید آنرا به نیت تقدیم و تعجیل بخواند.

وقت نماز مغرب و عشاء از غروب شرعی آغاز می شود.

در مورد غروب در میان اصحاب امامیه دو قول وجود دارد، برخی از علماء، مراد از غروب را استتار قرص خورشید می دانند، ولی بسیاری از علماء قائل هستند که صرف استتار کافی نیست و باید حمزه مشرقیه از بالای سر عبور کند تا غروب محقق شود.

تقدیم نماز شب

بیان شد که اگر کسی خوف فوت نماز شب را داشته باشد می تواند نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند.

دو نکته پیرامون این مطلب باقی مانده است که امروز بیان می کنیم.

نکته اول: زمان آغاز تقدیم نماز شب

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که ابتدای این تقدیم، چه زمانی است؟ یعنی اگر کسی به خاطر عذری که دارد بخواهد نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند، از چه زمانی می تواند این نماز را بخواند؟

پاسخ این است که علی القاعده در همان ابتدای شب، پس از آنکه نماز مغرب و عشاء را اقامه کرد و همچنین نافله عشاء را هم خواند می تواند نماز شب را نیز بخواند.

در برخی از نصوصی که تقدیم نماز شب را بیان کرده اند چنین آمده که می توان نماز شب را «اول اللیل» اقامه کرد، که مقتضای اطلاق چنین عبارتی این است که از همان ابتدای غروب شرعی و آغاز شب می توان نماز شب را خواند، منتهی می

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۰

توان گفت که این عبارت، شامل جایی که بخواهد نماز شب را در ابتدای غروب شرعی و قبل از نماز مغرب بخواند نمی شود، چون به مقدار سه رکعت، وقت اختصاصی نماز مغرب است، بنابراین می شود گفت که بر اساس این نصوص، پس از اقامه نماز مغرب می توان نماز شب را اقامه کرد.

منتهی باید نصوصی را که وقت فضیلت نماز مغرب و عشاء، و وقت نوافل آنها را بیان کرده است نیز در نظر بگیریم.

بنابراین در اینجا دو دسته روایت داریم، یک دسته روایاتی که تقدیم نماز شب در اول شب را جایز دانسته اند، و دسته دوم هم روایاتی که وقت فضیلت نماز مغرب و عشاء و وقت نوافل آنها را بیان کرده اند، که مقتضای جمع بین این دو طایفه از روایات این می شود که مراد از اول شب که می توان نماز شب را در آن هنگام خواند، پس از تمام شدن وقت نماز مغرب و عشاء و نوافل آنهاست.

به همین دلیل است که می گوئیم حتی اگر اطلاق «اول اللیل» شامل اول شب و پس از نماز مغرب بشود، باز هم با نصوص دیگر این اطلاق را تقیید می زنیم و می گوئیم مراد از این اول اللیل، پس از اتمام فریضه و نافله مغرب و عشاءست.

صاحب جواهر نیز همین مطلب را بیان کرده و چنین فرموده است:

«ثم ان إطلاق التقديم في النص و الفتوى يقضي بالجواز في أول دخول المغرب قبل العشاءين فضلا عما بعدهما، و هو ظاهر الروض أو صريحه، لكن المنساق إلى الذهن حتى من قوله أول الليل في بعضها ما بعد وقت العشاء، بل في موثق سماعة الآتي التصريح بذلك»^۱.

ایشان مقتضای اطلاق «اول اللیل» را حتی شامل قبل از نماز مغرب نیز دانسته اند، ولی همانطور که گفتیم ممکن است گفته شود که به مقدار سه رکعت نماز مغرب قطعاً خارج است، ولی به هر حال اطلاق عبارت شامل پس از نماز مغرب می شود.

سپس ایشان فرموده است که منساق به ذهن این است که مراد از این اول اللیل، پس از اقامه نماز عشاءست، و برای این مطلب به موثقه سماعة نیز تمسک کرده است.

موثقه سماعة بن مهران

۱ جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۲۰۹.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۰

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ «أَنَّه سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَام عَنْ وَقْتِ صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ مِنْ حِينَ تُصَلِّي الْعَتَمَةَ إِلَى أَنْ يَنْفَجِرَ الصُّبْحُ».^۲

شکی نیست که وقت نماز شب بر اساس اتفاق نص و فتوا، از نیمه شب آغاز می شود، بنابراین معلوم است که این روایت مربوط به کسی است که می خواهد نماز شب را مقدم کند، و تعبیر «فی السفر» نیز می تواند قرینه باشد.

نکته دوم: نیت نماز شبی که مقدم شده است

اگر کسی به خاطر عذری که دارد بخواند نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند، این نماز را به چه نیتی اقامه نماید؟

پاسخ این است که علی القاعده چنین نمازی، به نیت قضا نیست، چون نیت قضاء، برای نمازی است که وقت آن گذشته باشد، ولی این نماز قبل از وقت است. و همچنین به نیت اداء هم نیست، چون هنوز وقت نماز وارد نشده است، بنابراین معلوم است که این نماز، به نیت تعجیل و تقدیم خوانده می شود.

البته صاحب جواهر می فرماید که ظهور برخی از نصوص مانند همین موثقه سماعه، نشان می دهد که این نماز را می توان به نیت اداء نیز خواند، چون وقت این نماز را اینگونه بیان می کند، بنابراین چنین نمازی در وقت خودش خوانده شده و نیتش نیز اداء خواهد بود.

ولی تامل اقتضاء می کند که این موثقه را حمل بر موردی کنیم که فرد می خواهد نماز را زودتر از وقتش بخواند، بنابراین نیت اداء صحیح نیست و باید به نیت تعجیل بخواند.

صاحب جواهر فرموده است:

«و هل ينوي الأداء إذا قدم للعذر كما يومي اليه ما في موثق سماعة من أن «وقت صلاة الليل في السفر من حين تصلي العتمة إلى أن ينفجر الصبح» أو التعجيل لأنه هو المستفاد من التدبر في النصوص و الفتاوى».^۳

^۲ وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۸۲، أبواب المواقيت، باب ۴۴، ح ۵، ط الإسلامية.

^۳ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۲۰۹.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۰

ایشان ابتدا موثقه را بیان کرده و بر اساس ظاهر آن فرموده که می توان قائل به نیت اداء شد، ولی در پایان فرموده که مقتضای تأمل در نصوص و فتاوا این است که باید این نماز را به نیت تعجیل بخواند، چون هنوز وقت وارد نشده و معنا ندارد که اداء باشد.

سؤال: آیا نیت نماز، منحصر در اداء و قضاء نیست؟ و آیا نیت تعجیل، چیزی غیر از اداء و قضاء است؟

جواب: نیت تعجیل، با نیت اداء و قضاء فرق دارد. نیت اداء، مربوط به نمازی است که در وقت خوانده می شود، و نیت قضاء، مربوط به نمازی است که پس از اتمام وقت خوانده می شود. ولی نیت تعجیل در جایی است که نماز، قبل از وقت خوانده شود.

نظیر این را در پایان وقت هم داریم که در برخی موارد، نماز به نیت ما فی الذمه خوانده می شود که نه اداء است و نه قضاء. بنابراین اینگونه نیست که نیت نماز، منحصر در اداء یا قضاء باشد.

وقت نماز مغرب و عشاء

امام راحل فرموده اند:

«و وقت العشاءین للمختار من المغرب الى نصف الليل، و يختص المغرب بأوله بمقدار أدائها، و العشاء بآخره كذلك بحسب حاله، و ما بينهما مشترك بينهما»^۴.

وقت اختصاصی نماز مغرب، به مقدار سه رکعت در اول شب و هنگام غروب شرعی است، و وقت اختصاصی نماز عشاء نیز به مقدار چهار رکعت قبل نیمه شب است، و فاصله بین این دو نیز به عنوان وقت مشترک مغرب و عشاء است.

اصل این مسأله مسلم است و اختلافی در آن نیست، ولی در مورد زمان تحقق غروب شرعی اختلاف شده است.

^۴ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۲.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۰

جماعتی از اصحاب امامیه قائل شده اند که مراد از غروب شرعی، همان استتار قرص است، ولی جماعتی اشهر و بلکه مشهور قائل شده اند که صرف استتار قرص کافی نیست و باید حمزه مشرقیه به بالای سر برسد و رد بشود تا غروب شرعی صدق کند.

وجه اختلاف اصحاب در این زمینه، اختلاف نصوص است.

نصوص در این زمینه مختلف هستند، ولی با قاعده اصولی «اطلاق و تقييد» می توان بین آنها جمع کرد.

یک دسته از روایات هستند که غروب شرعی را با استتار قرص خورشید محقق می دانند، که این نصوص، مطلق هستند. ولی دسته دومی هم داریم که علاوه بر استتار قرص، رد شدن حمزه مشرقیه از روی سر را نیز شرط کرده اند. که بر اساس قاعده اصولی، باید اطلاق طایفه اول را با طایفه دوم قید بنیم.

فاصله بین استتار قرص، و رد شدن حمزه مشرقیه از روی سر، چیزی حدود بیست دقیقه است. چون وقتی که قرص خورشید پنهان می شود، هنوز آسمان روشن است و کم کم از سمت شرق شروع به سیاه شدن می کند و یک سرخی از سمت مشرق به سمت مغرب حرکت می کند، و هنگامی که به بالای سر می رسد و رد می شود، در این هنگام است که غروب شرعی محقق می شود و اثر روشنائی خورشید از بین می رود.

صاحب حدائق فرموده است:

«لا خلاف بين الأصحاب في ان أول وقت صلاة المغرب هو غروب الشمس قال في المعتبر و هو إجماع العلماء، و انما الخلاف في ما به يتحقق الغروب فالمشهور - وهو الذي عليه الأكثر من المتقدمين و المتأخرين - انه انما يعلم بزوال الحمرة المشرقية عن قمة الرأس إلى ناحية المغرب، و قيل انه عبارة عن غيوبة القرص عن العين في الأفق مع عدم الحائل، و نقل عن الشيخ في المبسوط و المرتضى و ابن الجنيّد و به صرح الصدوق في كتاب العلل و هو ظاهره في كتاب من لا يحضره الفقيه حيث اقتصر فيه على الاخبار الموافقة لهذا القول و لم يتعرض لشيء من اخبار القول الآخر»^٥.

صاحب حدائق در این عبارت، دو تفسیری که در مورد غروب شرعی وجود دارد را بیان کرده است.

^٥ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ٦، ص ١٦٣.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۰

مراد ایشان از «عدم الحائل» این است که مثلاً کوه یا چیزی مانع از دیدن خورشید نشده باشد، و در زمین مسطح و بدون مانع ببیند که قرص خورشید غایب شده است.

صاحب ریاض نیز نظیر همین را دارد.

صاحب جواهر نیز به صورت مفصل تر اقوال را بیان کرده است.

عبارت جواهر این است:

«و يعلم الغروب أي غروب الشمس الذي هو أول وقت صلاة المغرب إجماعاً في الغنية و الذكري و كشف اللثام و عن الخلاف و نهاية الأحكام و كشف الالتباس، بل في المعبر و عن التذكرة بإجماع العلماء، بل عن المنتهى انه قول كل من يحفظ عنه العلم، بل هو من ضروريات الدين باستتار نفس القرص خاصة ... كما هو المحكي عن الكاتب و الصدوق في العلل و ظاهر الفقيه و ابن أبي عقيل و المرتضى و الشيخ و سار و القاضي، و مال إليه جماعة من متأخري المتأخرين كسيّد المدارك و الخراساني و الكاشاني و المدقق الشيخ حسن و تلميذه فيما حكي عنهما و الأستاذ الأكبر ... و قيل بذهاب الحمرة من المشرق و هو الأشهر بل في كشف اللثام انه مذهب المعظم، بل هو المشهور نقلاً و تحصيلاً فتوى و عملاً شهرة عظيمة سيما بين المتأخرين، بل في الرياض أن عليه عامتهم إلا من ندر، بل في المعبر أن عليه عمل الأصحاب كما عن التذكرة، بل عن السرائر الإجماع عليه، بل في شرح المقدس البغدادي أن عليه أكثر المتقدمين و عامة المتأخرين، بل كاد يكون في سواد الإمامية ضرورة يعرفون بها، بل في المحكي عن السيد الداماد أن عليه العمل عند أصحابنا»^۶

صاحب جواهر نیز این دو قول را مطرح کرده و قائلین هر کدام را نیز بیان کرده است.

مراد از «کاتب»، ابن جنید اسکافی است. و مراد از «خراسانی»، فقیه سبزواری است. و مراد از «شیخ حسن»، صاحب معالم است. و مراد از «الأستاذ الأكبر»، کاشف الغطاء است که استاد صاحب جواهر بوده است.

مراد ایشان از «سواد الإمامية»، عمده امامیه است.

^۶ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۰۶.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۰

ایشان قول دوم را اشهر دانسته و بلکه می توان مشهور نیز دانست. ولی با اقوالی که برای قول اول بیان شد معلوم می شود که قول دوم اجماعی نیست.

به هر حال عمده در مقام، نصوص است که ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.